

چند اصل مهم در زندگی اجتماعی

# پله‌های مهربانی

اخلاق یکی از مهم‌ترین حوزه‌های مورد تأکید دین ماست. اما جدا از حوزه مرتبط با فرد، به خصوص در شکل اجتماعی‌اش، اخلاق ضرورتی جدی و انکارناشدنی است، تا جایی که اساس سلامت جامعه بر آن استوار است. به قول علامه طباطبایی (ره)، جامعه‌ای که در آن ارزش‌های اخلاقی به‌عنوان اصل لاینفک ایمانی، اعتقادی و دین‌داری مطلوب، مورد توجه قرار نگیرد، عواطف انسانی اعضای آن رو به انحطاط می‌رود و در نتیجه منجر به بی‌دینی و عدم اعتقادشان به مبدأ هستی و توحید خداوند و... می‌گردد. (طباطبایی و دیگران، ۱۳۶۶).

امروزه که جمعی زیستن و اجتماعی عمل کردن یکی از مهم‌ترین جنبه‌های زیست در جوامع شهری و روستایی شده است، نیازمندی به اخلاق و توجه به آن بیش از پیش احساس می‌شود. به خصوص که به دلیل حضور فناوری در زندگی بشر مدرن، تعاملات اجتماعی نسبت به گذشته شکل و شمایل و گستره متفاوتی پیدا کرده است.

## زندگی اجتماعی

نخستین گروهی که هر فردی با آن مواجه می‌شود، «خانواده» است. یعنی والدین و احیاناً برادران و خواهران و اقوام نزدیک که به دلیل تأثیرات وراثتی و محیطی سرنوشت ساز در پی‌ریزی شخصیت فرد نقش اول را دارند. در مرحله بعد همسالان، هم‌کلاسان، دوستان و همسایگان هستند. و بالاخره تعامل و ارتباط با اجتماعی بزرگ‌تر چون شهروندان و نیز جامعه جهانی که در سامان یافتن شخصیت اجتماعی و اخلاقی فرد نقش و تأثیری انکارناپذیر دارند.

آری همه به ارتباط با دیگران نیازمندند و بلوغ هر شخص از رهگذر همین روابط است که اتفاق می‌افتد؛ روابطی که باید درست و اخلاقی شکل بگیرد و ادامه پیدا کند.

اینجاست که «اخلاق شهروندی» مطرح می‌شود. منظورمان از اخلاق شهروندی

مجموعه‌ای از معیارها و بایدها و نبایدهای اخلاقی است که بر روابط و رفتار ریز و درشت ما در سطوح متفاوت حاکم است. از چگونگی تعامل‌مان با همسایگان تا برخورد با یک غریبه در خیابان یا نوع استفاده از وسیله نقلیه عمومی یا حتی نوع و شکل پوشش ما در کوچه و بازار یا شیوه رفتار در سفرهای درون شهری.

در این‌ها و صدها نمونه کوچک و بزرگ دیگر باید به اصول اخلاقی پایبند بود؛ اصولی چون رعایت حقوق دیگران، ترجیح منافع جمعی بر منافع فردی، عدم مزاحمت برای دیگران، توجه و حساسیت نسبت به محیط زیست، پرهیز از ایجاد هر نوع آلودگی، صوتی، بصری و... پرهیز از تخریب اموال عمومی و... می‌بینید که نباید با خودخواهی روزگار گذرانند و دیگران را در نظر نگرفت. حتی امروز دیگر نمی‌شود به سادگی از اصطلاح چاردیواری اختیاری به شکل سابق استفاده کرد، چرا که کمتر فضایی به‌طور کامل و درست در اختیار ماست.

## چند اصل مهم

### ● بر خورد انسانی با همه

اینک که شهرها بسیار گسترش یافته‌اند، طبیعی است که همه یکدیگر را نشناسند.

از این رو بخشی از مناسبات اجتماعی ما خواه نا خواه با کسانی است که گاه

برای اولین بار است که با آن‌ها روبه‌رو می‌شویم و حتی شاید زندگی خود دیگر بار آن‌ها را نبینیم. در مورد این افراد، آیا ناشناس بودنشان باعث نمی‌شود که بخشی از حقوق آن‌ها را رعایت نکنیم؟

مگر آن‌ها چه فرقی با ما دارند؟ امام علی (ع) در «عهدنامه مالک اشتر» فرموده‌اند: «ای مالک، با همه دوست و مهربان باش زیرا مردم دو دسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تو هستند و دسته دیگر همانند تو در آفرینش» (نهج‌البلاغه / نامه ۵۳).

پس همه انسان‌ها از هر کیشی که باشند، از حیث آفرینش چون ما انسان هستند و ما تافته جدا بافته نیستیم و باید حقوق انسانی را در مورد همه رعایت کنیم.

### ● هر چیزی را که برای خود

می‌پسندی، برای دیگران هم بیسند فکرش را نکنید، اگر همه شهروندان ما تنها به همین اصل پایبند باشند، چه اتفاق بزرگی رخ خواهد داد.

دوست ندارید حقتان را بخورند، پس خود نیز این‌گونه نباشید.

دوست دارید محترمانه با شما برخورد کنند، خود نیز با دیگران مؤدبانه روبه‌رو شوید.

دوست ندارید مردم در جلب منافع اقتصادی تنها به فکر خودشان باشند. شما نیز به همین شکل عمل کنید.



بخوانیم:

- نیکی و خوبی کردن به دیگران (بقره/ ۱۹۵)؛
- برخورد مهربانانه و برادرانه (حجرات/ ۱۰)؛
- نرمی در گفتار و پایین آوردن صدا (لقمان/ ۱۹)؛
- پاسخ نیکی با نیکی (الرحمن/ ۶۰)؛
- صداقت در گفتار و عمل (توبه/ ۱۱۹)؛
- ادای امانت (بقره/ ۲۸۲)؛
- نادیده گرفتن لغزش‌ها و گذشتن از خطاها (آل عمران/ ۱۵۹)؛
- امر به معروف و نهی از منکر (توبه/ ۷۱)؛
- پرهیز از آزار و اذیت دیگران (بقره/ ۲۶۳)؛
- اجتناب از مسخره کردن دیگران (بقره/ ۱۴)؛
- تجسس نکردن در کار و زندگی دیگران (حجرات/ ۱۲)؛
- اصلاح میان مردم (انفال/ ۱)؛
- پرهیز از عیب‌جویی (حجرات/ ۱۲)؛
- راستی و امانت‌داری در روابط اجتماعی (معارج/ ۳)؛
- مبارزه با گسترش فساد و گناه در جامعه (نور/ ۱۹).

روشن است که عمل به این گزاره‌ها و توصیه‌های اخلاقی راهی است مطمئن در جهت رسیدن به جامعه‌ای سالم و با نشاط و حفظ جامعه از تباهی و انحطاط.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. سیدرضی (۱۳۸۵). نهج‌البلاغه. ترجمه محمد دشتی. انتشارات پیام عدالت. تهران. چاپ چهارم.
۳. قندی، مهدی (۱۳۹۱). اخلاق شهروندی به روایت قرآن و نهج‌البلاغه. انتشارات بنیاد نهج‌البلاغه، تهران. چاپ اول.
۴. حکیمی، محمدرضا (۱۳۹۱). الحیاه (ج ۹). انتشارات دلیل ما. قم.
۵. طباطبایی، سید محمد حسین و عده‌ای از دانشمندان (۱۳۶۶). کارنامه خوشبختی. انتشارات دارالفکر. قم. چاپ اول.

امام علی (ع) به فرزند خویش، امام حسن (ع) فرموده‌اند: «پسرم، نفس خود را میزان میان خود و دیگران قرار ده.

پس آنچه را برای خود دوست داری، برای دیگران نیز دوست بدار. آنچه را که برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران

می‌پسند.

ستم روا مدار، آن‌گونه که دوست نداری به تو ستم شود.

نیکوکار باش، آن‌گونه که دوست داری به تو نیکی کنند.

آنچه را که برای دیگران زشت می‌داری، برای خود نیز زشت بشمار» (نهج‌البلاغه/ نامه ۳۱).

اگر از میان تمام اصول اخلاق شهروندی به همین قانون عمل می‌کردیم، بخش اعظمی از مسیر اخلاق شهروندی را پیموده بودیم.

### بردباری و مدارا در روابط

شهرنشینی به اشکال متفاوت موجب پدیدار شدن عرف‌ها، ارزش‌ها و رویه‌ها و هنجارها و سبک‌های خاص زندگی است به همین دلیل برای زندگی در اجتماعی این‌چنین، نیازمند نوعی بردباری، مدارا، هم‌زیستی و تحمل هستیم.

امام علی (ع) فرموده‌اند: «زندگی سالم (در پرتو) مدارا (و سازگاری) پدید می‌آید.» (الحیاه جلد ۹، ص ۶۰۴)

پیامبر (ص) نیز فرموده‌اند: مدارا با مردم نیمی از ایمان است و سازگاری با مردم نیمی از زندگی است (همان، ص ۶۰۴).

اگر بخواهیم به اصول و هنجارهای رفتاری و اخلاقی مورد توجه قرآن در مورد رابطه با دیگران بپردازیم، با فهرست بلند بالایی مواجه خواهیم بود. پس تنها عنوان برخی از آن‌ها را با هم